

**از شعله ور کردن آتش جنگ خودداری کنید**

**جنگ برای اکثریت اهالی فاجعه آفرین و برای**

**اقلیت لاشخوران جنگی ارمغان آور**

**ننگ و نفرت بر جنگ افروزان و جنایتکاران جنگی**

**گسترده تر و مستحکمتر باد همبستگی اکثریت اهالی**

**جامعه بمثابه قربانیان جنگ آمریکا-اسرائیل**

**و ایران و جنگ چهل اندی ساله اقلیت در قدرت**

**حکومت اسلامی در ایران**

- تجمع اعتراضی دانش آموزان در شهرکرد و بیرجند؛ گزارش ها از برخورد خشن مأموران در چهارمحال و بختیاری

- کنش های اهالی روستای مندیلان بالا از توابع شهرستان هیرمند در اعتراض به زمین خواری و آوار کردن بیابان بر سر خانه های خشت و گلی 30 خانوار زیر سایه بی خیالی مصلحتی مسئولان

- زنان پیک موتوری با جان در کف دست گذاشتن برای امرار معاش

- یادداشت آئینش اسدالهی 3 ماه پس از رهایی از بند

- جان پخشان عزیزی در خطر است

رد اعاده دادرسی پخشان عزیزی برای دومین بار و خطر اجرای حکم اعدام

- فراخوان گردهمایی 5 سندیکای فرانسه همزمان با برگزاری اجلاس سالیانه سازمان جهانی کار

- فراخوان کمیته سراسری برگزاری تجمع اعتراضی در ژنو

\*\*\*\*\*

\*تجمع اعتراضی دانش آموزان در شهرکرد و بیرجند؛ گزارش ها از برخورد خشن مأموران در چهارمحال و بختیاری

در پی فراخوان‌های پیشین، امروز گروهی از دانش‌آموزان در شهرهای شهرکرد و بیرجند در اعتراض به حضوری شدن امتحانات، مقابل ساختمان استانداری‌های چهارمحال و بختیاری و خراسان جنوبی تجمع اعتراضی برگزار کردند.

بر اساس گزارش‌های منتشرشده از شهرکرد، این تجمع با دخالت نیروهای امنیتی و انتظامی مواجه شده و در جریان آن میان مأموران و دانش‌آموزان درگیری رخ داده است.

طبق اخبار دریافتی، نیروهای امنیتی برای متفرق کردن دانش‌آموزان معترض به خشونت متوسل شده و از شوکر استفاده کرده‌اند.

تا لحظه تنظیم این خبر، گزارشی از بازداشت احتمالی معترضان منتشر نشده است.

کانال شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران

**درهمین رابطه: تجمع اعتراضی جمعی از دانش‌آموزان شهرهای شهرکرد و بیرجند نسبت به حضوری شدن امتحانات مقابل ساختمان استانداری استان‌های چهارمحال و بختیاری و خراسان جنوبی**

گزارش‌ها و فیلم‌های منتشره در شبکه‌های اجتماعی، از تجمع اعتراضی روزپنجشنبه 31 اردیبهشت، جمعی از دانش‌آموزان شهرهای شهرکرد و بیرجند نسبت به حضوری شدن امتحانات مقابل ساختمان استانداری استان‌های چهارمحال و بختیاری و خراسان جنوبی، خبر می‌دهند.

همین گزارش‌ها حاکی از ادامه تجمع تا پاسی از شب در شهرکرد و یورش نیروهای سرکوب حکومت موروئی اسلامی به تعدادی از دانش‌آموزان معترض می‌باشد.

**\*کنش‌های اهالی روستای مندیلان بالا از توابع شهرستان هیرمند در اعتراض به زمین‌خواری و آوارکردن بیابان بر سر خانه‌های خشت و گلی 30 خانوار زیر سایه بی‌خیالی مصلحتی مسئولان**

روزجمعه یکم خرداد، اهالی روستای مندیلان بالا از توابع شهرستان هیرمند، استان سیستان و بلوچستان از کنش‌هایشان در اعتراض به زمین‌خواری و آوارکردن بیابان بر سر خانه‌های خشت و گلی 30 خانوار زیر سایه بی‌خیالی مصلحتی مسئولان، خبر دادند.

منیر محترم اداره منابع طبیعی و آبخیزداری شهرستان هیرمند

سلام عنکم ،

با احترام و آرزوی موفقیت در تمام امور خیر زندگی ، به استحضار جنابعالی می‌رساند ، روستای مندیلان یکی از قدیمی‌ترین آبادیهای منطقه سیستان ، در شهرستان هیرمند واقع شده و در طول سال‌ها دراز دستخوش نابسامانی‌های الهی منطقه گشته و تا کنون مکان این روستا چندین بار تغییر مسیر داده است ، در دهه پنجاه خورشیدی ویس از شروع و اجرای طرح تثبیت شن های روان اغلب زمینهای کشاورزی مردم آبادی زیر این طرح قرار گرفت و چون طرحی جامع و به نفع مردم بود ، اعتراض به معنای واقعی صورت نگرفت ، اکنون که بیش از پنجاه سال از این طرح می‌گذرد ، و مردم خود را با شرایط اقلیمی منطقه وفق داده‌اند ، متأسفانه افراد سود جو یا نفوذ در بعضی دستگاه‌های ذیربط مبادرت به تخریب و ریشه کن کردن پوشش گیاهی اندکی که خشکسالی‌ها را متحمل شده‌اند ، کرده و به بهانه های مختلف در حال ازین بردن پوشش گیاهی اندکی که مانده را می‌نمایند ، حال آنکه روستای مندیلان دقیقاً در جنوب قسمتی واقع شده که مخربین دست به تخریب زده‌اند ، این امر موجب تشویش و دلنگرانی تمام اهالی روستای یادشده گشته و اگر فضای بر همین منوال پیش برود ، بعلت فزونی شنهای روان موجود در منطقه و ریزگردهای حاصل از تخریب و شدت طوفان‌های نابسامانی مجبور به کوچ اجباری و خالی کردن منطقه خواهند شد ، از آنجایی که ملاک زندگی در یک منطقه امنیت و آرامش و ثبات اجتماعی است ، از شما بزرگواران و دستگاه‌های ذیربط تقاضا داریم تا به این مسئله ورود کرده و از تخریب پوشش گیاهی باقی مانده جلوگیری و فرد یا افرادی که در این تخریب دست دارند به مقامات ذیصلاح معرفی و مجازات شوند ، باشد که این تخریب الگویی برای سایر سوءاستفاده گران نگردد ،



این گزارش رسانه ای شده، روایت تلخ، حدود 30 خانوار سرسخت ساکن روستای مندیلان بالا از توابع شهرستان هیرمند است؛ خانوارهایی که هرچند به دلیل خشکسالی و تخریب محیط زیست، کشاورزی چندانی ندارند اما ترجیح داده‌اند در خانه‌ی رو به ویرانی بمانند و تن به مهاجرت و تحقیر ندهند؛ مردان جوان این روستا، برای فعلگی فصلی و کار روزمزدی به استان‌های دور و نزدیک مثل کرمان و یزد می‌روند، کارگر ساختمانی می‌شوند یا پسته‌چینی می‌کنند و زنان بدون آب، بدون مدرسه، با برقی که در هر شبانه‌روزی دو تا سه ساعت قطع می‌شود، با گرمای هوا، شن و ماسه و گرانی و سفره‌های خالی، می‌سازند و تحمل می‌کنند؛ «تحمل» هم گویا سرنوشت تلخی‌ست که روی پیشانی این زنان و مردان مرز نشین نوشته شده...

در یکی از روزهای بهار، یکی از ساکنان روستای مندیلان بالا با ما تماس می‌گیرد؛ صحبت را با یک جمله کوتاه شروع می‌کند: «می‌خواهند جنگل را خراب کنند، زمینش را یک نفر با پارتی تصاحب کرده و اگر درختان را خراب کند، خانه‌های ما زیر شن می‌رود.»

آنچه این روستایی، «جنگل» می‌نامد، تعدادی درخت گز و بوته‌های جان‌سخت کویری است که دهه‌ها قبل در راستای طرح بیابان‌زدایی و جلوگیری از پیشروی شن، در حاشیه روستا ساخته شده؛ حالا یک نفر به گفته روستایی‌ها «پارتی‌دار» روی این زمین‌ها دست انداخته و می‌خواهد بیابان را بر سر خانه‌های خشت و گلی 30 خانوار آوار کند؛ رفتن خانه‌ها زیر شن، یعنی رانده شدن اجباری، باید خانه‌ات را بگذاری و کوچ کنی...»

این روستایی محروم داستانش را روایت می‌کند: مردم روستای ما دو نوبت پیش از این، به خاطر شن‌های روان کوچ کرده‌اند؛ حالا گویا نوبت سوم رسیده... یک آقای از راه رسیده، ادعا می‌کند که زمین مال من است و دارد درخت‌ها را از ریشه قطع می‌کند. این زمین که آقا دست انداخته، در سال‌های انقلاب، زمین‌های کشاورزی همین مردم بوده که به منابع طبیعی دادند و در نهایت، در طرح تثبیت شن‌های روان، درختکاری شد؛ این فرد تعدادی از درخت‌ها را قطع کرده و اگر درخت‌های باقیمانده را تخریب کند، خانه‌های ما همه زیر شن می‌رود. ما اعتراض کردیم این آقا هیچ سندی ندارد...

او ادامه می‌دهد: حالا بعد از پنجاه و اندی سال، این زمین چند ده هکتاری را یک فرد خاص تصاحب کرده است. این آدم حتی ساکن این روستا نیست. شب‌ها می‌آید و زمین را صاف می‌کند. ما به جز این خانه‌های خشت و گلی، هیچ ثروتی نداریم. اینجا آب نیست؛ جوانان روستا مجبورند، چند ماه از سال، برای کارگری به شهرهای دیگر بروند؛ ما حتی تا ساری و گرگان برای کار ساختمانی یا کشاورزی می‌رویم. در آن شهرها با ما سیستان و بلوچستانی‌ها خوب تا نمی‌کنند؛ مثلاً من برای کار کشاورزی رفسنجان رفتم؛ حقوق بقیه روزی 1 میلیون و 200 بود به من روزی 900 هزار تومان می‌دادند. کشاورزی ما هم در روستا محدود است؛ الان کمی جالیز کاشته‌ایم؛ فصل گندم هم کمی گندم و جو می‌کاریم. اما چون آب نیست، کشاورزی کفاف هزینه‌های زندگی را نمی‌دهد، خرج‌ها سنگین است.

این روستایی می‌گوید شرایط سخت است و فقط بومی‌ها می‌دانند این سختی چیست و تحمل آن چقدر دشوار است:

«ما چند ماه سال آواره‌ایم و خانواده را به امان خدا رها می‌کنیم؛ زن و بچه ما همینجا در گرما و بی‌آبی می‌مانند و همه چیز را تحمل می‌کنند. ما گرد و خاک را به جان می‌خریم، دوری از خانواده را تحمل می‌کنیم فقط می‌خواهیم «خانه» داشته باشیم.»

حالا همین خانه‌ها در آستانه‌ی از دست رفتن است. اگر درختچه‌های گز ریشه‌کن شوند، ماسه، کل روستا و خانه‌های آن را می‌بلعد.

مردم روستا بارها به این آقای پارتی‌دار اعتراض کرده‌اند؛ نامه کتبی به بخشداری هیرمند زده‌اند؛ به جهاد کشاورزی و منابع طبیعی هم مراجعه کرده‌اند اما این ارگان‌ها هیچ کدام مسئولیت نپذیرفته‌اند؛

مثلاً منابع طبیعی گفته زمین به جهاد کشاورزی واگذار شده، به ما مراجعه نکنید. جهاد کشاورزی هم می‌گوید زمین واگذار شده و هیچ اطلاعات دیگری نمی‌دهد.

در آخرین اقدام، این روستانشینان به استانداری سیستان و بلوچستان مراجعه و شکایت کتبی ثبت کرده‌اند؛ آن‌ها همچنان در انتظار پاسخ مسئولان هستند؛ در انتظار اینکه یکی یکجا صدایشان را بشنود... فریادهای فروخورده‌شان را جدی بگیرد.

یکی از روستاییان، پدر چهار فرزند، می‌گوید: در این شرایط کشور، با چهار بچه کجا مهاجرت کنم؟ چرا دارند خانهم را ویران می‌کنند؟ ما اینجا کلی بلا و مصیبت داریم، طوفان شن داریم، قطعی آب و برق داریم؛ به جز یک مدرسه ابتدایی، فضای آموزشی دیگری نداریم؛ با همه‌ی اینها، نمی‌خواهیم خانهمان را از ما بگیرند. این آقا معلوم نیست از کجا آمده؛ همان روزهای اول تخریب، ما اهالی روستا ریختیم و جلوی تخریب را گرفتیم اما دست‌بردار نیست، شب‌ها می‌آید؛ تا حالا تقریباً هشت هکتار را خراب کرده...

این مرد روستایی، آخر حرف‌هایش می‌گوید: ما چیز زیادی نمی‌خواهیم؛ به این آقا گفتیم یک مدرک، فقط یک مدرک بیاور که ثابت کند زمین مال جنابعالیست و یک تضمین هم به ما بده که اگر زمین را صاف کنی، شن‌های روان خانه‌های ما را خراب نمی‌کند. روستاهای بسیاری تو این منطقه، کامل زیر شن رفته‌اند...

و این خواسته‌ی ساده، این فریاد فروخورده از گلوی محروم‌ترین قشر مردمان این سرزمین، هیچ‌جا شنیده نشده؛ نه منابع طبیعی، نه جهاد کشاورزی، نه بخشداری و نه هیچ نهاد دیگری مدافع این روستاییان نیست. قدرتمندان حاضر به شنیدن صدای این مردم نیستند. گویا صدای «این مردم» از درهای بسته نفوذ نمی‌کند و به گوش مسئولان نمی‌رسد؛ صدایی فروخورده و لگدمال شده که با زخمی تاریخی در گلو می‌گوید «اینجا در مندیلان بالا، روزنه‌های زندگی در حال بسته شدن است.»

سی خانواده چندین ماه است که یکصدا می‌گویند «کوچ اجباری و بدبختی و تحقیر نمی‌خواهیم، بیش از این چیزی از شما نمی‌خواهیم، فقط از یک فاجعه جلوگیری کنید...». سی خانواده سیستانی ماه‌هاست که تلاش می‌کنند «خانه» داشته باشند، همان سقف کوتاه خشت و گلی و بدون امکانات، اما...

### **\*زنان پیک موتوری با جان درکف دست گذاشتن برای امرار معاش**

زنان موتورسوار را در خیابان نمی‌توان نادیده گرفت. به ویژه آن‌هایی که یک باکس هم پشت موتورشان گذاشته‌اند و به عنوان پیک موتوری مشغول به کارند و از همین مسیر درآمدزایی می‌کنند. زنانی که در خلال تمام محدودیت‌ها، موتور را به ابزار استقلال خود بدل کرده‌اند و با وجود سختی کار، درآمدزایی می‌کنند.

کافیست ابری در آسمان پیدا شود یا نمی روی آسفالت ببارد تا معاش عده زیادی با تصادف گره بخورد. همان‌ها که شغلشان نه سرما می‌شناسد و نه گرما. نه آفتاب می‌شناسد و نه باران. چند سالی است که قشر دیگری هم وارد این شغل شده‌اند. این روزها زنان هم جان خود را کف دست می‌گذارند و در قامت یک پیک موتوری درآمدزایی می‌کنند.

زنانی که هنوز گواهینامه هم ندارند و از یکسو باید مراقب پلیس باشند که وسیله کارشان را توقیف نکند و از سوی دیگر دنبال شگردهای تازه برای پیک موتوری بودن؛ شغلی که به گفته یکی از همین زنان «مزایا و معایب خودش را دارد اما راه خوبی برای پول در آوردن» هم است. او کارش را با یک هوندا CG 125 شروع کرد.

برپایه گزارش رسانه ای شده بتاریخ یکم خرداد، «میم» و خواهر کوچکترش کمی طلا داشتند. آنها را فروختند. مقداری هم قرض کردند تا یک موتورسیکلت دست دوم بخرند. «میم» یک ماه تمرین کرد، موتورسواری یاد گرفت و از چهار سال پیش وارد صنف پیک‌های موتوری شد. او روایت می‌کند: «شرایط مالی خوبی نداشتیم و به همراه خواهرم کوچک‌ترم دنبال کار گشتیم. در یک مغازه روسری‌فروشی کار پیدا کردم اما یک ماه بیشتر آنجا دوام نیاوردم و به دلیل سرعت پایین و اینکه تعامل خوبی با مشتری نداشتیم، عذرم را خواستند.»

او دنبال کارهای دیگر هم گشت اما با سفته سنگین می‌خواستند یا سابقه کار؛ حتی به فروشگاه‌های زنجیره‌ای هم مراجعه کرد اما دیپلم می‌خواستند و از آنجا که مصائب روزگار به او فرصت دیپلم گرفتن نداده بود، تصمیم دیگری گرفت: «بعضی از دوستانم در پلتفرم‌های آنلاین کار می‌کردند ولی من نه ماشین داشتم و نه پول خرید ماشین.» پس هزینه خرید یک موتورسیکلت دست دوم را فراهم کردند: «می‌خواستم پول جمع کنم تا ماشین بخرم و بعد با همان دوباره کار کنم.»

پس «میم» پیک یک رستوران شد. آشنایشان بود و با وجود اینکه گواهینامه ندارد، به او کار داد. در این چند سال هم شگردهای برای ثبت‌نام در پلتفرم‌های آنلاین پیدا کرد تا درآمدش را افزایش دهد. شگردهای که البته چند مرتبه به بسته شدن اکانتش منجر شد اما به هر ترتیب، کارساز بود. بسیاری از مردان بدون گواهینامه نیز از همین شگرد استفاده می‌کنند و آن، ثبت‌نام با اسم و مشخصات فرد دیگری بود. او نام عمویش را برای احراز هویت اعلام کرده بود و با همان نام امرار معاش می‌کند: «البته چند باری اکانت‌هایم بسته شد.»

احتمالاً کاربران گزارش او را داده بودند ولی این دختر موتورسوار هنوز هم برای تامین معاش خود و خانواده‌اش به عنوان پیک فعالیت می‌کند. موانع بسیاری سر راهش قرار می‌گیرد ولی یک به یک هر کدام را رد می‌کند. از نداشتن گواهینامه بگیر تا شغلی که مردانه تلقی می‌شود و محیط کاری که باید در آن سرسخت بمانی. از موتور دست دوم و قدیمی‌اش گرفته که ممکن است او را وسط راه ننگه دارد تا امروز که او دیگر یک دختر تعمیرکار حرفه‌ای شده و خودش به تنهایی اکثر تعمیرات را انجام می‌دهد.

سحر هم پیک موتوری است و در یک کافه - رستوران کار می‌کند. او می‌گوید: «اوایل مردم تعجب می‌کردند که یک زن با موتور بسته جابه‌جا می‌کند اما به مرور عادی شد.» از او دلیل انتخاب چنین شغلی را که می‌پرسیم، پاسخ می‌دهد: «این کار را انتخاب کردم چون ساعت کاری‌اش دست خورم است اما باز هم کار سختی است.»

سحر مصائب پیک موتوری بودن را اینگونه شرح می‌دهد: «مثلاً یک دفعه بسته را به خانه‌ای بردم اما بعد از 20 دقیقه کسی برای تحویل نمی‌آمد. صاحبخانه اما در کوچه بود و دنبال پیک می‌گشت. از

آن زمان یک باکس هم تهیه کرده‌ام که حداقل شناسایی شوم.» او ادامه می‌دهد: «هنوز هم مشتری‌ها با دیدن پیک موتوری زن تعجب می‌کنند اما معمولاً برخورد خوبی دارند و حتی تشویق هم می‌کنند.»

سحر معتقد است شاید تا یک سال پیش هم دیدن پیک موتوری زن عجیب بود اما به نظر می‌رسد نگاه جامعه هم تغییر کرده: «چشم مردم به دیدن زنان موتورسوار در خیابان عادت کرده. حتی دیگر پیک موتوری بودن هم برای یک زن خارج از عرف نیست.»

البته این شغل مزایای دیگر هم دارد. مثل اینکه «درآمدش روزانه است» و برای سحر که سرپرست خانوار است و فرزند کوچک دارد، بسیار اهمیت دارد.

هانیه، دانش‌آموخته معماری است و در روزهای دانشجویی برای تامین هزینه دانشگاه وارد این شغل شد. از وقتی هم که دانشگاه را تمام کرده، خانه گرفته و با ارسال بسته‌های مردم اجاره ماهیانه‌اش را درمی‌آورد. هانیه حمایت خانواده را داشت اما نه غرورش اجازه می‌داد بیش از این مقدار از خانواده خرجی بگیرد و نه هزینه‌های زندگی به او اجازه بیکاری می‌داد: «برای رشته‌ام کار پیدا نمی‌شد. یا سابقه کار می‌خواستند یا باید چند ماه کارآموزی بدون حقوق را می‌پذیرفتم. پس تصمیم گرفتم با موتور پدرم کار کنم.» پس روزها هانیه و شب‌ها پدرش با موتور کار می‌کردند تا او توانست برای خودش یک موتورسیکلت جداگانه بخرد. حالا هم با همان روزگار می‌گذراند و دنبال کار دیگری هم نیست.

با وجود این، «میم» داستانش را متفاوت پیش برد. سحر و هانیه کمتر از یک سال است که پیک موتوری شده‌اند اما «میم» که چند پیراهن بیشتر از دو نفر دیگر پاره کرده بود و تجربه بیشتری داشت، مسیر بلاگری را برای افزایش درآمد برگزید تا هم از راه تبلیغات پول دربیورد و هم داستان زندگی‌اش را با دیگران به اشتراک بگذارد.

«میم» شغل پیک موتوری را بدین شرح، توصیف می‌کند: «اگر بخواهم شغل پیک موتوری را توصیف کنم، مثل هر شغل دیگری خوبی و بدی خودش را دارد. از مزیت‌هایش این است که ساعت کاری منعطف دارید. پس نه نیازی به مرخصی هست و نه حضور به موقع در محل کار. پس اگر بخواهید باشگاه بروید یا دانشجو هستید، این شغل به کارتان می‌آید. حتی بسیاری از همکاران ما به عنوان شغل دوم، پیک موتوری هستند. علاوه بر این، به مدرک دانشگاهی یا مهارت دشواری یا خاصی هم نیاز ندارید، کفایت موتورسوار باشید. البته دلیل مهمتری که مرا جذب این کار کرد، گذر سریع زمان بود. آدم پشت فرمان موتورسیکلت متوجه زمان نمی‌شود.»

او ادامه می‌دهد: «این شغل معایبی هم دارد. از سخت بودن رانندگی در گرما و سرما گرفته تا برف و باران. مهم‌ترین خطر شغل پیک موتوری هم تصادف است. باید تمام تمرکزتان روی رانندگی و رعایت نکات ایمنی باشد تا حادثه دلخراشی برایتان پیش نیاید.»

هنوز برای زنان گواهینامه موتورسیکلت صادر نشده اما هم خیابان‌ها به حضورشان عادت کرده‌اند و هم جامعه آنان را پذیرفته. این روزها شاید نگاه شما هم به زنان پیک موتوری افتاده باشد که با یک باکس یا غذا ترفیک را پشت سر می‌گذارند تا پیش از آنکه قانون به رسمیتشان بشناسد، مرسوله را تحویل دهند و جایگاه خود را در کوچه‌پس‌کوچه‌های شهر پیدا کنند.

**\*یادداشت آنیسا اسدالهی 3 ماه پس از رهایی از بند**

سلام به همه دوستان و عزیزان،

امروز شد سه ماه که از اوین آزاد شدم. این عکس هم اولین لحظه بیرون اومدم:



بخشی از من آنجا جا مانده و خیلی وقت‌ها انگار هنوز دارم با دوستان داخل بند حرف می‌زنم و زندگی می‌کنم.

اسفند ماه با اشتیاق به دیدن و فهمیدن دوستان قدیم و جدید آمدم، اما با شرایط عمومی که از همه طرف به تمام ما تحمیل شده، هنوز فرصت احوالپرسی با دوستان و عزیزان پیش نیامده.

هنوز دسترسی‌های نیم بندی دارم و برای همین گفتم اینجا پیامی بگذارم به تمام شما سلام و آرزوی سلامتی کنم.

به امید روزهای بهتر که فرصت التیام زخم‌های انباشته همدیگر را داشته باشیم.

به امید آزادی زندانیان سیاسی

به امید صلح و آزادی

## **\*جان پخشان عزیزى درخطر است**

### **رد اعاده دادرسی پخشان عزیزى برای دومین بار وخطر اجرای حکم اعدام**

برپایه گزارش های منتشره در شبکه های اجتماعی بنقل از وکلای پخشان عزیزى اعاده دادرسی این کنشگر سیاسی و اجتماعی برای دومین بار در دیوان عالی کشور رده شده

دیوان عالی قوه قضاییه درخواست اعاده دادرسی پخشان عزیزى، مددکار اجتماعی و فعال حوزه زنان، را برای دومین بار رد و حکم اعدام او را قطعی اعلام کرد. وکلای این زندانی سیاسی می گویند عالی ترین مرجع قضایی بدون بررسی کامل پرونده و بدون مطالعه سوابق محاکمه، دفاعیات ارائه شده را «بلادلایل» توصیف کرده است.

### **\*فراخوان گردهمایی 5 سندیکای فرانسه همزمان با برگزاری اجلاس سالیانه سازمان جهانی کار**

مکان: ژنو، میدان ملت ها، مقابل مقر سازمان ملل متحد

زمان: 5 ژوئن 2026، ساعت 12 تا 15



## فراخوان به گردهمایی

سازمان‌های سندیکایی فرانسوی Cfdt، CGT، UNSA، Solidaires و FSU، هم چنین:

- سازمان‌های سندیکایی از چندین کشور دیگر،
  - «کمیته هماهنگی» که توسط گروه‌های ایرانی در خارج از ایران تشکیل شده است،
- برای برگزاری یک گردهمایی در روز ۵ ژوئن در ژنو در مقابل مقر سازمان ملل متحد، که کنفرانس سالانه سازمان بین‌المللی کار (ILO) در آن جا برگزار می‌شود، فراخوان می‌دهند.

اهداف ما از برگزاری این گردهمایی عبارتند از:

- محکوم کردن حضور نمایندگان جمهوری اسلامی ایران در این کنفرانس؛
- تأکید مجدد بر اعلان همبستگی خود با کارگران ایران و با همه کسانی که مورد استثمار و ستم قرار گرفته‌اند، علیه سرکوب رژیم مبارزه می‌کنند و خشونت جنگ را متحمل می‌شوند.

### این گردهمایی خواستار:

- پایان فوری جنگ در منطقه؛
- آزادی بی‌قید و شرط همه زندانیان سیاسی و زندانیان عقیدتی؛
- توقف فوری بازداشت‌ها، شکنجه و اعدام‌ها؛
- برقراری فوری اینترنت؛
- حق داشتن تشکل‌های مستقل از قدرت دولتی؛
- حق اعتصاب و تظاهرات، امنیت شغلی، و اجرای استانداردهای بهداشتی و ایمنی در محیط کار؛
- شرایط زندگی‌ای که امکان زندگی شرافتمندانه را فراهم کند؛
- دستمزدهایی متناسب با هزینه‌های زندگی.

**جمعه، ۵ ژوئن ۲۰۲۶**

**ساعت ۱۲ تا ۱۵**

**میدان ملل، ژنو**

ما همه کسانی را که از حقوق کارگران، آزادی‌های مدنی و صلح حمایت می‌کنند، صمیمانه فرا می‌خوانیم که در این گردهمایی شرکت کنند.

**\*فراخوان کمیته سراسری برگزاری تجمع اعتراضی در ژنو**

# متحد و متشکل 5 ژوئن در ژنو

در اعتراض به حضور جمهوری اسلامی  
در اجلاس سازمان جهانی کار  
و در همبستگی با مبارزات کارگران در ایران

## قطع فوری جنگ!

ما خواهان آزادی بی قید و شرط  
کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی،  
لغو فوری دستگیری ها، شکنجه و اعدام ها هستیم.

ما خواهان حق داشتن تشکلهای مستقل، اعتراض، اعتصاب، امنیت شغلی،  
ایمنی کار، تامین معیشت همگانی و مزد مناسب با هزینه های زندگی هستیم!

5 ژوئن 2026

ساعت 12 - 15

Place des Nations، Genève

از تمامی مدافعین حقوق طبقه کارگر و آزادی خواهان  
دعوت می کنیم که در این تجمع اعتراضی شرکت کنند.

کمیته سراسری برگزار کننده تجمع اعتراضی در ژنو

[geneva-rally-committee@mail.com](mailto:geneva-rally-committee@mail.com)

<https://t.me/+LFHmcwBMk2pkZjdi>

[akhbarkargari2468@gmail.com](mailto:akhbarkargari2468@gmail.com)